چهره‌ها

مهدی فخیم‌زاده در ایرانمهر تهران

● **گروه هنر:** حال عمومی مهدی فخیم‌زاده که در تصادف دو موتورسیکلت بر سر صحنه فیلم «مشت آخر» دچار آسیب‌دیدگی از ناحیه سر و گردن و لگن شده بود، روبه‌بهبودی است. مهدی فخیم‌زاده، بازیگر و کارگردان تئاتر، سینما و تلویزیون عصر چهارشنبه ششم تیر پس از تصادف از ناحیه لگن، سر و گردن و زیر چانه دچار مصدومیت شدید شد و به بیمارستان طالقانی چالوس انتقال یافت. این نویسنده و کارگردان پس از انتقال به بیمارستان توسط تیم پزشکی متشکل از متخصصان و جراحان رشته‌های تخصصی طب اورژانس، گوش و حلق و بینی و سروگردن، ارتوپدی، جراحی عمومی، جراحی مغز و اعصاب، داخلی و قلب و عروق تحت درمان تخصصی قرار گرفت و درحال‌حاضر نیز در بخش مراقبت‌های ویژه تحت درمان است. خالدی، سخنگوی اورژانس، با تأکید بر اینکه ۵۰ درصد خطر رفع شده، گفت: در افراد عادی سطح هوشیاری ۱۵ است که در آقای فخیم‌زاده به ۱۳ رسیده و ما طبق پروتکل‌های درمانی، از ایشان در بخش مراقبت‌های ویژه، مراقبت می‌کنیم. خالدی تصریح کرد: برای تمام مصدومان سوانح رانندگی ۲۴ ساعت اول را بحرانی در نظر می‌گیریم. اگر شرایط ایشان بهتر شد و قابلیت انتقال داشتند، ایشان را به تهران منتقل می‌کنیم و در غیر این صورت منتظر نظر پزشک معالج ایشان می‌مانیم. همچنین سیدحامد حسینی، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «مشت آخر»، در گفت‌وگو با ایلنا با اشاره به آخرین وضعیت درمانی مهدی فخیم‌زاده گفت: خوشبختانه با لطف خدا و تلاش پزشکان روند بهبودی مهدی فخیم‌زاده به‌خوبی طی می‌شود و ظهر امروز با تشخیص پزشکان دستگاه‌ها از وی قطع شده است. او ادامه داد: فخیم‌زاده هم‌اکنون به هوش آمده و در هوشیاری به‌سر می‌برد و ضریب هوشیاری او به عدد ۱۳ رسیده است و حتی می‌تواند تکلم و گفت‌وگو کند. حسینی ادامه داد: من به بالین وی رفتم و با او چند کلامی صحبت کردم. هرچند همچنان بنا به تشخیص پزشکان در ICU قرار دارد، اما تیم معالج اعلام کرد درصورتی‌که روند بهبودی همین‌گونه ادامه داشته باشد، می‌توان او را در روزهای آینده به بخش عمومی منتقل کرد. در آخرین خبر رئیس بیمارستان طالقانی چالوس اعلام کرد با تثبیت وضعیت، این کارگردان ساعت دو بامداد پنجشنبه برای دریافت خدمات پزشکی فوق تخصصی به بیمارستان ایرانمهر تهران منتقل شد.

بازگشت به خانه شهرام شکوهی

● خواننده آلبوم «تا نفس هست» در حالی از بیمارستان مرخص شد که قرار است ۲۰ تیر در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران روی صحنه برود. شهرام شکوهی بعد حمله قلبی که دوشنبه‌شب (چهارم تیر) بر اثر هیجان ناشی از بازی تیم‌های ملی فوتبال ایران و پرتغال داشت، دیروز از بیمارستان مرخص شد. سپهر بیگلری، مشاور هنری این خواننده، درباره او به هنرآنلاین، گفت: همان‌طورکه همه می‌دانید به‌خاطر استرس بالا برای بازی این اتفاق افتاد. شهرام بلافاصله به بیمارستان منتقل و به‌خاطر وخامت شرایطش بستری شد. یک‌سری آزمایش روی او صورت گرفت و بعد از ویزیت پزشک متخصص، برای اطمینان بیشتر از سلامت کامل، قرار شد چند روز بیشتر در بیمارستان تحت نظر باشد.

شبی با عبدی در شبکه نسیم

● **گروه هنر:** برنامه «شبی با عبدی» از جمعه‌شب هشت تیر ساعت ۲۱ از شبکه نسیم پخش شد. برنامه «شبی با عبدی» با محوریت اکبر عبدی پخش می‌شود. این مجموعه یک بخش نمایشی دارد و با محوریت خود اکبر عبدی و آثارش و کاراکترهایی که بازی کرده است تولید می‌شود. بخشی از برنامه که محمدحسین لطیفی کارگردانی آن را بر عهده دارد نیز به‌صورت گفت‌وگومحور است و میهمانانی که در سریال یا مجموعه‌ای با اکبر عبدی هم‌بازی بوده‌اند به برنامه دعوت می‌شوند و او درباره آن آثار حرف می‌زند و به‌نوعی خاطره‌بازی شکل می‌گیرد. وجه تمایز مهم برنامه «شبی با عبدی» این است که او چندین کاراکتر دارد. او هم خودش بازی می‌کند هم با هم‌بازی‌اش و هم با مردمی که در استودیو حضور دارند هم‌بازی می‌شود.

یک افتخار دیگر برای علیرضا کوشک‌جلالی، نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان ایرانی، در آلمان

خرس‌های پاندای دوست‌داشتنی

رضا آشفته

علیرضا کوشک‌جلالی، کارگردان ایرانی برنده جایزه افتخاری تئاتر شهر کلن آلمان، به‌عنوان یکی از اعضای دائمی هیئت ژوری انتخاب بهترین‌های تئاتر شهر کلن انتخاب شد و همچنین این روزها نمایش خرس‌های پاندای او که در کلن اجرا می‌شود، با اقبال همگانی و منتقدان تئاتر روبه‌رو شده است.

درباره خرس‌های پاندا

نمایش داستان خرس‌های پاندا با تنظیم، دراماتورژی و کارگردانی علیرضا کوشک‌جلالی که ۲۹ و ۳۰ ژوئن در کلن اجرا شد، با نقد روزنامه کلنیشه رووندشاوو داستان خرس‌های پاندا (به زبان آلمانی) همراه شد.

نمایش‌نامه کوتاه و پرطرفدار ماتئی ویسنی‌یک، صبح در منزل مردی آغاز می‌شود. مرد از خواب برمی‌خیزد و زنی را در کنار خود می‌بیند که نمی‌شناسد و گیج است! زن اما گویا اطلاع بیشتری از اتفاقاتی که افتاده یا قرار است بیفتد دارد. مرد آشنایی با زن و هیچ چیز پیش از صبح را به یاد نمی‌آورد. همه‌چیز اما برای زن رئال است! مرد از او می‌خواهد ۹ شب به دیدنش برود. داستان خرس‌های پاندا حکایت ۹ شب رازآلود و شورانگیز زن و مردی است که ظاهرا از قبل یکدیگر را نمی‌شناسند.

کارگردانی کوشک‌جلالی با تصاویر میخکوب‌کننده و تهدیدآمیز ویدئویی و بازی‌های درخشان، تماشاچیان را خیره می‌کند. ژولیت کارل با جذابیت و قدرتی بی‌نظیر در نقش زن با ظرافت، پروبالی جادویی می‌بخشد؛ استقبال و تشویق بی‌حد تماشاچیان از یک پایان تراژیک!

خرس‌های پاندا نمایش سیال ذهن است. شاید همه اتفاقات در خوابی رخ داده است و شاید به بازی زندگی و مرگ می‌پردازد.

در تئاتر تیف روت/ کلن این نمایش با بازی ژولیت کارل و میشائیل مورگن اشترن اجرا شد که اجراهای بعدی‌اش ۲۹ و ۳۰ ژوئن، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ سپتامبر، ۲، ۶ و ۷ اکتبر، ۲، ۳ و ۲۶ نوامبر (در فستیوال تئاتر ایرانی در اورانیا تئاتر) خواهد بود.

هیئت‌ژوری تئاتر کلن

علیرضا کوشک‌جلالی، برنده جایزه افتخاری تئاتر شهر کلن آلمان، به‌عنوان یکی از اعضای دائمی هیئت ژوری انتخاب بهترین‌های تئاتر شهر کلن انتخاب شد.

برندگان بیست‌وهفتمین فستیوال رقص و تئاتر کلن در هفت رشته معرفی شدند. امسال جایزه افتخاری تئاتر کلن آلمان در تقدیر از یک شخصیت ممتاز به علیرضا کوشک‌جلالی، نویسنده، کارگردان و مترجم تئاتر، اختصاص یافت.

هیئت داوران، این جایزه دوهزارو ۶۰۰ یورویی را به پاس فعالیت‌های بیش از ۲۰ ساله علیرضا کوشک‌جلالی در تبادل فرهنگی و هنری به او اهدا کرد. در این مراسم فرنلی بوسمن، بازیگر و نخستین معلم جلالی در آلمان و همسرش، پتر بوسمن که یکی از معماران برجسته این کشور است و طراحی صحنه بسیاری از نمایش‌نامه‌های جلالی را برعهده داشته، از دوستی و کار با او از سال‌های میانی دهه ۱۹۸۰ تاکنون گفتند.

فعالیت‌های تئاتری

نمایش «من نفرت نمی‌ورزم» با بازیگری درخشان میشائیل مورگن اشترن، آخرین کارگردانی کوشک‌جلالی در آلمان است که نامزد جایزه بهترین نمایش سیاسی سال ۲۰۱۶ در شهر کلن بود. «من نفرت نمی‌ورزم» نمایشی قدرتمند و پرهیجان درباره وضعیت کنونی نوار غزه است.

روزنامه پراعتبار «کلنیشه رووند شاوو» درباره اجرای این اثر تأثیرگذار نوشت: «با کارگردانی دقیق کوشک‌جلالی... مورگن اشترن، بازیگر نمایش، با چنان قدرتی به آفرینش نقش می‌پردازد که به‌سرعت بازیگربودنش را فراموش می‌کنیم. طراحی مینی‌مال صحنه بوسمن... استفاده دقیق و بجا از ویدئو پروجکشن... سکوتی طولانی در انتها و سپس تشویق بی‌امان تماشاگران».

از اواخر سال ۲۰۱۵ تاکنون، با کارگردانی یا نویسندگی او ۹ نمایش در آلمان، ایران، روسیه و ترکیه به صحنه رفته‌اند و اجرای بسیاری از آنها هنوز ادامه دارد. موضوع بیشتر فعالیت‌های جلالی، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها، صلح و دوستی و درک متقابل فرهنگی است.

جلالی سال‌هاست در ایران نیز فعالیت‌های تئاتری‌اش را ادامه می‌دهد و در کنار اجرای نمایش‌نامه‌های پربیننده و دریافت جوایز فراوان، با برگزاری سمینارها و کارگاه‌های آموزشی به پرورش هنرجویان جوان شهرستان‌ها می‌پردازد و پرورش هنرجویان شهرستانی برای او به هدفی بزرگ تبدیل شده است.

کوشک‌جلالی سعی در انتقال آنچه از تئاتر اروپا آموخته، به هنرجویان شهرستان‌ها دارد و با کمک عاشقان جوان تئاتر شهرستان‌ها، سعی در «تمرکززدایی» می‌کند و در همین راستا کارگردانان تهرانی را تشویق می‌کند که به کار در شهرستان‌ها بپردازند.

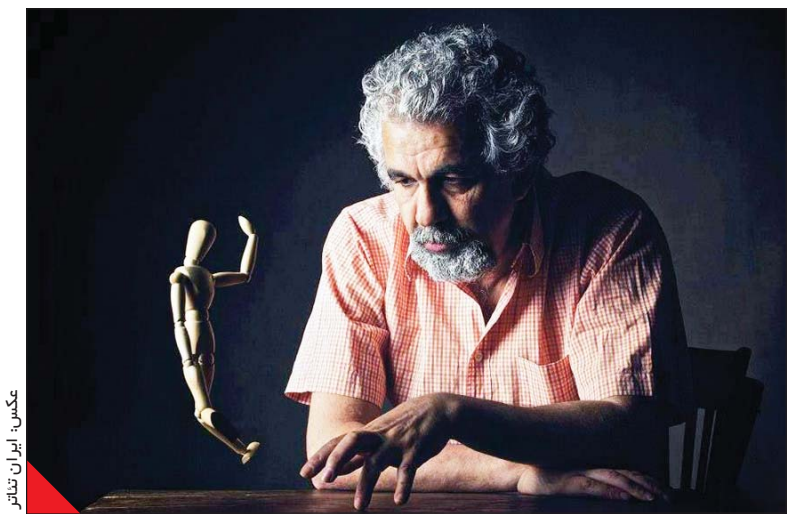

عکس: ایران تئاتر

نگاهی به «شیطونی» نوشته و کار مهدی کوشکی

دیستوپیای* پرخشم‌وهیاهو

بهارک سهامی

قبل از تماشای نمایش به اولین موضوعی که فکر کردم عنوان آن بود. «شیطونی» برایم یادآور ماجراهای شیطنت‌آمیز و حال‌وهوای کمیک و شوخ‌طبعانه بود. به‌علاوه، جایی خوانده بودم موضوع نمایش میهمانی‌های شبانه تهران است. با این پیش‌فرض‌ها به تماشای نمایش نشستم. خیلی زود تصوراتم را به فراموشی سپردم. در آن ۸۵ دقیقه آنچه دیدم، کارزار خشم و خشونت و تباهی بود و دیستوپیایی که ارزش‌ها در آن وارونه شده، پول و قدرت حرف اول را می‌زنند و مرام و معرفت قربانی می‌شود.

«شیطونی»، اثر مهدی کوشکی، نمایشی خوش‌ساخت با بازی‌های پرقدرت است که زندگی پوچ و چرکین طبقه‌ای از جوانان زیر پوست شهر را با بی‌رحمی عیان می‌کند. نمایش برشی از زندگی مهرداد و شهرام، دو دوست، را به تصویر می‌کشد که در منجلاب روابط فاسد و پیچیده دست‌وپا می‌زنند؛ دو دوستی که پاتوقشان پارتی‌های شبانه ویژه است و هر دوی آنها با وصل‌شدن به طبقه نوکیسه فِراری‌سوار و خلافکاری که به آن پارتی‌ها رفت‌وآمد دارند کسب معیشت می‌کنند. شهرام رقصنده آن میهمانی‌هاست و مهرداد شغل مشخصی ندارد، اما در قسمتی از نمایش به ارتباط او با خریدوفروش مواد مخدر اشاره می‌شود. خط اصلی داستان، ماجرای انتقام‌گیری مهرداد از جواد است که در دعوایی پای شهرام را شکسته. در سراسر نمایش آن دو سوار بر پژویی لکنته که نیمی از سقف آن از بین رفته در حال تعقیب‌وگریزند. پژو نماد دنیای درب‌وداغان و کریه و بدون امنیت این دو جوان است. سرانجام مهرداد، جواد را پیدا می‌کند و میان دعوا او را ناخواسته به قتل می‌رساند. از این نقطه به‌بعد جریان فرار این دو جوان از چنگال قانون و رفقای خشمگین جواد روایت می‌شود.

نحوه گفت‌وگو و تعامل مهرداد و شهرام با یکدیگر و تماس‌های تلفنی پی‌درپی‌شان با افراد مختلف به اتومبیل‌رانی پایان‌ناپذیر و سرگیجه‌آورشان کیفیتی چندلایه می‌بخشد. فضای گفتمان لمپنیسم و پرخشونت جاری در نمایش، روابط ناسالم، متزلزل و پر از دروغ و زندگی پراضطراب و خشونت این آدم‌ها را عیان می‌کند. پژویی که مهرداد و شهرام به ظاهر در جست‌وجوی مقصدهای مشخصی می‌رانند، مانند چرخ عصاری است که آنها را به هیچ‌کجا نمی‌رساند. آنچه مخاطب از مجموعه حرف‌ها و کنش‌های دو جوان درمی‌یابد، تقلایی پوچ و بی‌حاصل است و سبک زندگی بی‌معنایی که در آن عشق جایی ندارد و روابط بر اساس منافع افراد شکل می‌گیرد و از هم می‌پاشد.

در مجموع، «شیطونی» ویران‌شهر مورد نظر خود را با پرداختی قوی، خلاقانه و دقیق به تصویر می‌کشد. استفاده مؤثر از دکور مینیمال و نمادین نقطه قوت چشمگیر اثر است. جابه‌جایی دو شخصیت در مکان‌های گوناگون شهر در پژو و اتفاقات گوناگون به کمک قوه تخیل تماشاچی انجام می‌شود. همه کنش‌ها یا داخل ماشین یا فضای کناری آن اتفاق می‌افتد

شخصیت‌های نمایش همه ضدقهرمانند. مهرداد، شخصیت اصلی، نماد لات بامرام مدرن و درواقع نمونه گروتسک مردانگی و لوطی‌گری در فرهنگ سنتی است. او دارای چارچوب‌های اخلاقی متعصبانه و انعطاف‌ناپذیری است، اما، برخلاف نمونه سنتی خود، در تماشاچی هیچ حس همدردی و همدلی برنمی‌انگیزد. رفتار بی‌رحمانه، خشن و پرخاشگرانه‌اش بیشتر به عقده‌گشایی روانی می‌ماند تا معرفت و جوانمردی پاکدلانه. مهرداد لوطی‌نما به‌خاطر اثبات رفاقتش به شهرام آدم می‌کشد. رفتارش با دنیا، دوستش، غیرانسانی و تحقیرآمیز است. سرانجام بعد از اینکه به خیانت شهرام و دنیا پی می‌برد، دختر را سلاخی می‌کند و شهرام را به آتش می‌کشد. گویی او ماشینی است که تنها برای انتقام برنامه‌ریزی شده. شهرام نیز تنها به عافیت خویش می‌اندیشد، به مرام و معرفت پایبند نیست و روابطش با دیگران تنها بر اساس منافع لحظه‌ای پیش می‌رود. دنیا، دوست مهرداد که قرار است نماد پاکدامنی باشد، در میهمانی‌های شبانه‌ای که برای قاچاق زنان جوان به دوبی طراحی شده می‌رقصد. نسیم، خواستنی‌ترین دختر در نگاه شهرام، با چند نفر رابطه دارد و از آنها پول می‌گیرد. دوستان جواد برای انتقام از شهرام پدر بیمار او را شکنجه و سپس می‌کشند. دکتری که مهرداد به‌خاطر بیماری‌اش با او تماس می‌گیرد کمکش نمی‌کند. دنیایی که در این نمایش به تصویر کشیده می‌شود قتلگاه ارزش‌های انسانی است؛ قتلی که در سراسر اجرا با قطرات خون نشان داده می‌شود. خونی که از ابتدای نمایش از زیر کاپوت ماشین- دنیای مهرداد و شهرام- به زمین می‌چکد و در پایان از آبپاش ماشین به سروصورت بازیگران می‌پاشد و خونی که مهرداد دائم بالا می‌آورد، استعاره‌ای برای سیستم فکری و اخلاقی آنهاست که در نهایت نابودشان می‌کند. با کشتن شهرام در انتهای نمایش، سفر مهرداد در خیابان‌های شهر که قرار بود مقصد آن اثبات مرام و معرفتش به شهرام باشد، بدل به تقلایی پوچ و بی‌معنا می‌شود. پژو- چرخ عصاری چارچوب‌های اخلاقی وی- آنها را به ناکجا رسانده است.

در مجموع، «شیطونی» ویران‌شهر مورد نظر خود را با پرداختی قوی، خلاقانه و دقیق به تصویر می‌کشد. استفاده مؤثر از دکور مینیمال و نمادین نقطه قوت چشمگیر اثر است. جابه‌جایی دو شخصیت در مکان‌های گوناگون شهر در پژو و اتفاقات گوناگون به کمک قوه تخیل تماشاچی انجام می‌شود. همه کنش‌ها یا داخل ماشین یا فضای کناری آن اتفاق می‌افتد. دیگر نکته جالب‌توجه طراحی صحنه تصویر تابلوی احتیاطی است که بر دیوار عقب صحنه با استفاده از ویدئو پروژکتور نمایش داده شده که داخل آن متناسب با دیالوگ‌ها و وقایع علائم و نشانه‌های مختلفی ظاهر می‌شوند. این نشانه‌ها یادآور روابط پلاستیکی و ناپایدار شخصیت‌ها هستند که در طول نمایش از طریق گوشی موبایل و دنیای مجازی با هم در تماس‌اند. نوآوری دیگر، به‌کارگیری دو بازیگر زن است که در سراسر اجرا بالای سقف ماشین نشسته‌اند. یکی از آنها خواننده رپ است که نقشی معادل همسرایان Chorus** تراژدی‌های یونان باستان را دارد و در فواصل دیالوگ‌ها و وقایع ترانه‌هایی می‌خواند که تشریح‌کننده و تفسیرگر دنیای نمایش برای تماشاگرند. نقش بازیگر دیگر مرتب بین صدای دنیا، دوست مهرداد، صدای خواننده‌های فرانسوی که ترانه‌شان از دستگاه پخش ماشین شنیده می‌شود و اعلام‌کننده نام افرادی که با مهرداد و شهرام تماس تلفنی می‌گیرند، جابه‌جا می‌شود. استفاده از این دو بازیگر در میان هیاهوی خون و خشونت، رنگ متفاوتی به فضا می‌زند و گاه حال‌وهوای مفرحی به آن می‌بخشد. دیالوگ‌های دنیا که به زبان فرانسه بیان می‌شود، اشاره به ناخودآگاه زخمی مهرداد دارد که خاطره مادر گمشده‌اش را حمل می‌کند. مادری که او را در کودکی رها کرده و به قصد خواننده‌شدن به فرانسه رفته اما نگارنده برای استفاده «مکرر» نمایش از ترانه‌های فرانسوی معروف توجیه قانع‌کننده‌ای نمی‌یابد. گوش‌دادن به چنین ترانه‌هایی با شخصیت‌های لات‌منش و گفتمان فرهنگی لمپنی‌ای که در آن قرار دارند، تناسب ندارد. از نظر نگارنده تنها تأثیری که می‌تواند استفاده از این ترانه‌های زیبا و لطیف که نماینده فرهنگ متعالی و انسانی‌تری‌اند، داشته باشد، تضاد چشمگیری است که با گفتمان سرشار از خشونت و فحاشی داخل ماشین برقرار می‌کنند و در نتیجه زمختی و زشتی آن را برجسته‌تر می‌کنند. در پایان، بازی پرقدرت بازیگران، به‌ویژه مهدی کوشکی سیر پرفرازونشیب نمایش را برای مخاطب روان و باورپذیر می‌کند.

* دیستوپیا dystopia ویران‌شهر یا مدینه فاسده، جامعه‌ای خیالی در داستان‌های علمی-تخیلی است که در آن ویژگی‌های منفی، برتری و چیرگی کامل دارند و زندگی در آن دلخواه هیچ انسانی نیست. چنین جوامعی گونه‌ای دنیای وانفسا و فاجعه انسانی هستند. با این تعریف یک جامعه پاد-آرمانی نقطه مقابل و وارونه یک جامعه آرمانی (آرمان‌شهر یا مدینه فاضله) است. (ویکی پدیا)

** همسرایان در تراژدی‌های یونان باستان در فواصل صحنه‌ها ظاهر می‌شدند و با خواندن آواز و اجرای حرکاتی رقص‌مانند بخش‌های گوناگون نمایش را توضیح می‌دادند یا تفسیر می‌کردند.

زیر آسمان فیروزه‌ای

کنسرت ارکستر ملی ایران و نمایشگاه آثار هنرمندان ایران در باکو

● **گروه هنر:** هفته فرهنگی جمهوری اسلامی با اجرای ارکستر ملی ایران و برگزاری نمایشگاه آثار هنرمندان ایران، عصر چهارشنبه، ششم تیر، در باکو، پایتخت جمهوری آذربایجان، آغاز شد. هفته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با برگزاری برنامه‌های هنری با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مسئولان فرهنگی، هنری کشورمان و ابوالفضل قارایف، وزیر فرهنگ جمهوری آذربایجان، در باکو آغاز شد. ارکستر ملی ایران به رهبری فریدون شهبازیان و خوانندگی سالار عقیلی در سالن فلارمونیای باکو برنامه اجرا کرد و نمایشگاه خوش‌نویسی، تذهیب، نقاشیخط، نقاشی، خط ثلث و نسخ، آثار صنایع دستی حکاکی روی نقره، قلمزنی، نقاشی روی استخوان و منبت‌کاری از هنرمندان ایران، عکس‌هایی از جاذبه‌های گردشگری و لباس‌های سنتی ایرانی در این هفته فرهنگی برگزار شد. سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی کشورمان، در مراسم گشایش هفته فرهنگی ایران در جمهوری آذربایجان گفت: هفته‌های فرهنگی میان کشورها طبق معمول با هدف آشنایی هرچه‌بیشتر با یکدیگر برگزار می‌شود؛ ولی هفته فرهنگی حاضر برای نشان‌دادن همدلی مردم دو کشور برپا شده است. مردم ایران و جمهوری آذربایجان در طول هزاران‌سال در شادی‌ها و غم‌ها با یکدیگر سهیم بوده‌اند و از دین، مذهب، تاریخ، سنن و آداب مشترک برخوردار بوده و هستند. صالحی افزود: ما و ملت جمهوری آذربایجان امروز با هم آشنا نشده‌ایم؛ ما هزاران‌سال است که با هم آشنایی داریم. ارتباطات فرهنگی دو کشور روزبه‌روز در حال گسترش است و همکاری‌ها ما را به آینده بهتری رهنمون می‌کند. ابوالفضل قارایف، وزیر فرهنگ جمهوری آذربایجان، نیز در سخنرانی خود در این مراسم، گفت: میان مسئولان، دولت و مردم دو کشور رابطه برادرانه بسیار خوبی برقرار است و همکاری‌های فرهنگی در تعمیق این روابط نقش مهمی را ایفا می‌کنند و برگزاری هفته‌های فرهنگی بین دو کشور به یک سنت تبدیل شده است.او برگزاری هفته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در شهرهای باکو و گنجه جمهوری آذربایجان را تحفه‌ای بزرگ به محافل فرهنگی و هنری برای آذربایجان عنوان کرد.هفته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان به همت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (اداره کل همکاری‌های فرهنگی و امور ایرانیان خارج از کشور) با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با هماهنگی رایزنی فرهنگی کشورمان در جمهوری آذربایجان، از ششم تا ۱۰ تیرماه در دو شهر باکو و گنجه در حال برگزاری است.

نمایش‌نامه‌خوانی «استکهلم، پراگ، سیدنی»

● **گروه هنر:** نمایش‌نامه «استکهلم، پراگ، سیدنی»، به نویسندگی و کارگردانی کامران حمزه‌لو، در خانه نمایش اداره تئاتر خوانش می‌شود. نمایش‌نامه‌خوانی «استکهلم، پراگ، سیدنی»، به نویسندگی و کارگردانی کامران حمزه‌لو، روز شنبه، مورخ ۹ تیر ۱۳۹۷ ساعت ۱۸ در خانه نمایش اداره تئاتر اجرا خواهد شد.

نمایش‌نامه‌خوان‌ها: نارسیس کهرام، مریم آهنگر و حامد آقایی

صحنه‌خوان: مسعود غلامیان

خلاصه نمایش: زنی همسرش از خانه متواری شده و اکنون سعی دارد نبودن او را توجیه کند و به هر شخصی که می‌رسد، او به جایی مثل استکهلم، پراگ و سیدنی اشاره می‌کند تا اینکه... .

علاقه‌مندان به تماشای آثار نمایشی خانه نمایش می‌توانند به نشانی میدان فردوسی، بعد از خیابان ایرانشهر، خیابان شهید موسوی (فرصت سابق)، کوچه محمدآقا، پلاک ۳۴ مراجعه کنند.

نمایش «مایم و پاگانینی» در خانه نمایش

● **گروه هنر:** نمایش «مایم و پاگانینی» (هیچی نگو) به کارگردانی علیرضا ناصحی در خانه نمایش اداره تئاتر به صحنه می‌رود. اجرای نمایش «مایم و پاگانینی» (هیچی نگو) به نویسندگی و کارگردانی علیرضا ناصحی، از روز یکشنبه، مورخ ۱۰ تیر ۱۳۹۷ ساعت ۲۰:۱۵ در خانه نمایش اداره تئاتر انجام می‌شود. علیرضا ناصحی و علی دولتیاری و محمدرضا علیمردانی(صدا) بازیگران این نمایش هستند.

خلاصه نمایش: پدر و مادر از هم طلاق می‌گیرند و فرزندشان باید روی پای خود بایستد. او وارد اجتماعی ناسازگار می‌شود و... . علاقه‌مندان به تماشای آثار نمایشی خانه نمایش می‌توانند به نشانی میدان فردوسی، بعد از خیابان ایرانشهر، خیابان شهید موسوی (فرصت سابق)، کوچه محمدآقا، پلاک ۳۴ مراجعه کنند.